

خود را باید نذار و انقاسی بود و ضایع درست راست محو بود و با تحقیقش به این

نتیجہ یہ کہ تمام مملکت روانی نہ اکثر آدھا داند رہے در ^{۱۳} ناخود ارادہ و مجبورات کودکی دارد.

اکثر دوران کودکی خرابی را اندر اندہ بالینیم در منبر بیماری دچار اطفال روانی نہیں ہوتیں و

فروید ایستاد یک نظریه را مبنی به اسم مع نظریه روانی جنسی

سطوح زندگی و دانش بر اساس مدل مکان نظامی

فروید محقق بدینستند رفتارها و اندیشه های ما توسط نیروهای هدایت می شوند که از آن ها
آگاه نیستیم.

* **ناخدا:** مل ایصال، غنائی وسائل ہیں کہ انرا ماہر ما خارج ہندو

با این حال بسته طاق، احساسات و اعمال را برانگیخته می کند.

اصل داستان فروری و انگیزش دوسرا ناھیں، یا ناخود آگاہ است کہ اصل

خاله اضطراب را بدین آنها را که در کرب کرم مثل آیات غزیری، ختم نسبت به والدین عزیزهایی که اگر نخواهیم به عید بیاییم به ما اضطراب میدهد.

ناهیار خود را مل در مجلس است
که ناهییار نیمه ناهییار

فرزید مقتدر که بسیاری از قدرتات و امالی ناهییار باید تفسیر کل یا قتم و از سانسور عبور کنند تا به سطح هیار راه یابند مثل رویاهای لغزشی ها که با نیمی رفتارهای غیر متعین

* نیمه هیا: حاوی تمام عناصری است که هیا نیستند ولی به راحتی با قدرت می توانند هیا شوند. این سطح از وضعی کل می شود در اک هیار یک ویژگی که نیمه هیا در همه خطرات اضطرار را نیستند که قدرتات ناهییار

ادراک هیا: آنچه فرزند در می کند فقط برای مدت کوتاهی هیا است و وقتی آردی فکر دیگری متکثر می شود فوراً به ناهییار انتقال می یابد.

قدرتات ناهییار: فرزید مقتدر که قدرتات می تواند از دست سانسورچی هیا را بگیرند و به قدرت تفسیر کل یا قتم وارد نیمه هیا شوند.

نیمه هیا: به کل اینکه شماره تلفن خانه قبلی اسم را نمی دانم چندیده، فکر کنم بادم می آید.

* هیار: کل تمام افکار و احساساتی است که در هر لحظه به آن ها دسترسی داریم و به طور متعین

قابل تجربه هستند و فرزید زیاد به هیا توجه نکرد.

افکار اردو مسیر مختلف به هیا می بیند
از طریق سیستم هیا ادراکی
که اردو در ساختار ذهن

از طریق سیستم هیپوتالاموس به سمت ریه ها سیرون گسترش دارد و به صورت واسطه ای است
برای ادراک محرک های بیرونی.

از درون ساختار ذهن به تدریج گسترش می یابند

هوویت پدید آید نوعی: فرود عقیده در بخشی از ناهیاها و از تجربیات نیاکانمان

نسبت می گیر و مثل هم مثل منتقل می شود. مثلاً ترس از مار، ترس از ارتفاع از ترس

انسان های اولیه برای بقا وجود داشته و ما سعی کردیم از آن تفریم که به ما آسیب می زند.

این قسمت به توضیح بعضی رفتارها، آلتیوها و اضطراب ها می گذرد که صرفاً بر اساس

تجربیات شخصی قابل تبیین نیستند.

بنابراین ذهن انسان همواره در تعامل میان هیپوتالاموس و ناهیاها است و بسیاری

از رفتارها و احساسات ما را که در نیه های ناهیاها دارند.

بخار Id (اید)

ego (من)

فرآیند super ego (فرامن)

فرود هیپوتالاموس همان رفتارهای ذهن، مدل ساختاری ذهن را معرفی کرد که شامل سه حوزه عمل

اید، آلتو و سوپر آلتو است. این ساختارها با خروج هیپوتالاموس و نیه های ناهیاها

تواضع دارند.

* **بخار (Id)** در عمق ناهیا قرار دارد و مخزن **انرژیها** و **عزیز اولم** است
بخار هم دنبال **کسب لذت** است هم دست آوردن لذت فوری. بخار خودخواه است،
دوست دارد که خواسته هایش برآورده شود. قسمت غریزهای **تجربیت** و **عزیز** دور
از واقعیت.

تجربیت **کاهش تنفس و کسب لذت** است، بدون توجه به واقعیت یا اخلاق
نقدها، کلاهخانه مثل فلک در سینه دارد نمونه ای از عملکرد اید هستند که کلاهخانه بدون
تأسیس با واقعیت.

اید علاوه بر این لذت جو و نامعقول است، غریزهای هم هست و می تواند به طور
خفیه مان، عفا به مقصدی را برپا می دهد. مثلاً امکان دارد خانگی علق هیا به مادرش نشان
دهد و جایی که به صورت ناهیا آن روی ناپدید کردن او را داشته باشد.

* **خود (ایلو)** من هم **تجدد غریزهای تجبیت** است. ایلو بین خواسته های بخار و
فراخود و واقعیت های دنیایی قابل برقرار می کند.

ایلو طبق **اصل واقعیت** عمل می کند و می گوید اصل واقعیت را جالبترین **اصل لذت اید**
کند. ایلو شامل سطوح **هیا، نیه هیا، و نیه هیا** است و تقسیم گری می کند مثلاً
ممکن است ایلو خانگی هیا را به او را به نیه هیا که لباس های بسیار گداز انتخاب کند چون
وقت لباس آراسته می پوشد احساس آراستگی می کند.

اید اگر وقت فشار شد اید و سوپر ایلو قرار بگیرد اضطراب تجربه می کند و از **مکانسیم دفاعی**
استفاده می کند.

مراخورد، سوپر ایلو، مراخن سے بعد اخلاقی شخصیت است. با اخلاقیات سروکار دارد که این کار گناه است یا نه؟ خلاف قانون است یا نه؟

سوپر ایلو از ایلو، وجود می آید و فاسد ایلو، از خوردن ایلو ندارد. سوپر ایلو در یک جنبه محکم

با ایلو تفاوت دارد. با دنیای بیون ارتباط ندارد

سوپر ایلو دو سیستم دارد. ^{موجدان} از تنبیه شدن، خاطر رفتار مناسب، وجود می آید و به نام نوری هم نباید بکنیم. ^{ایلوهای آرمانی} از تقویت شدن، خاطر رفتار مناسب، وجود می آید و به نام نوری هم باید بکنیم.

کلاً ایلو بین بخار و مراخورد در تعامل است و در این تعامل ایلو تحت فشار قرار می گیرد و مضطرب می شود و برای رهایی از اضطراب از مکانیسم دفاعی استفاده می کند. کسی که قدام خودش سزیش می کند تحت سلطه سوپر ایلو است.

تعامل سه بخش ^{در فرد سالم} اید، ایلو و سوپر ایلو ^{نورن ای} ها ^{هک} عمل می کنند. ایلو بین خواسته های اید، محدودیت های سوپر ایلو و واقعیت بیرونی تعادل برقرار می کند.

در فرد نام سالم ^{اید قوی}، ایلو ضعیف ^{س رفتارهای لذت طلبانه و غیر واقع بینانه}

ایلو ضعیف ^{سوپر ایلو قوی} ^{س احساس گناه و عقارت زیاد} ایلو قوی ^{س تعادل روانی و کنترل مطلوب بین لذت و اخلاق}

فروردین ۱۴۰۱

را بطور **ایده** **ایگو** و **سوپر ایگو** در **سبب** **فرد** **فرضی** :

فرد لذت جو تحت سلطه **ایگو** قرار دارد.

فرد که احساس **نفاها** **حقارت** می کند، تحت سلطه **سوپر ایگو** قرار دارد.

فردی که از لحاظ روانی سالم است تحت سلطه **ایگو** قرار دارد.

سائق نیروهای انگیزشی که ما را در جهت **رفع تنش**، **اضطراب** و **کسب لذت** هدایت می کند.

فرودید برای نیروهای انگیزشی درونی، واژه آلمانی **Trieb** را به کار برد که معمولاً **غریز**

ترجمه شده اما حال دقیق تر این کلمه **سائق** یا **تفانه** است.

سائق ها نیروهای پایداری در روان هستند که می توان به راحتی از آن ها اجتناب نکرد و مستقل از

حرک های بیرونی عمل می کنند.

سائق جنسی = هدفش **کسب لذت** و **واهی** **تنش**

انواع سائق : **سائق جنسی** = هدفش **نابود کردن** یا **بازگرداندن** موضوعات به حالت **غیرعادی**

هر **سائق** انرژی روانی خود را دارد.

فرودید برای **سائق جنسی** از کلمه **لیبیدو** استفاده کردند و انرژی **سائق** **پرخاشگری**

بدون نام ماند.

سائق جنسی = **لیبیدو** به نیروی روانی درونی گفته می شود که هدف آن **کسب لذت** است.

اما این لذت به ارضای **تاسلی** محدود نمی شود. **لیبیدو** صرف کل بدن می شود. علاوه بر اندام های

تاسلی **دهان** و **مقعد** می تواند لذت جنسی تولید کند و **مناطق** **چورت** **اناسیده** می شوند.

تأیید به تحریف

سائق به خاستگی - سیروری روانی درونی است که
 که آسیب رساندن را در فرد
 که خود نابودی

بر مبنای انگیزه این سائق می تواند شکل های مختلفی مانند تحقیر، ریشخند، آزار و تیران
 یا حتی آسیب رساندن به فرد به خود بلندی و همواره در تعامل و تعارض با سائق جنسی و
 اصل واقعیت عمل می کند.

سازش - به تیران آسیب می رساند و از اینکه به تیران آسیب می رساند لذت می برد.
 سازش - نیاز به لذت جنسی از طریق زجر دادن یا تحقیر کردن (تیران است) و لذتی
 سازش به از طریق کیده ریز، از لحاظ جنسی محسوب می شود، اما در حالت تلاطم نیاز به معولی
 است که تا اندازه ای در تمام روابط جنسی پدید می آید.

سازش زمانی از لحاظ محسوب می شود که هدف جنسی لذت لگوانی نسبت به هدف ویرانگری
 در درجه دوم اهمیت باشد.

مازوخنیسم - از اینکه خودش آسیب ببیند، لذت می برد.
 نیاز به تیرانی به لذت بردن از تحمل درد، تحقیر، آزار و تیران توسط خود یا دیگران -
 مازوخنیست ها می توانند خورشان را زجر بدهند، برای ارضای نیازها و مازوخنیستی هم فرد دیگری
 وابسته نیستند. (سازش ها باید فرد دیگری را بکشد تا او را زجر دهد یا تحقیر کند) -
 از این نظر سازش ها بیشتر از مازوخنیست ها به تیران وابسته اند.

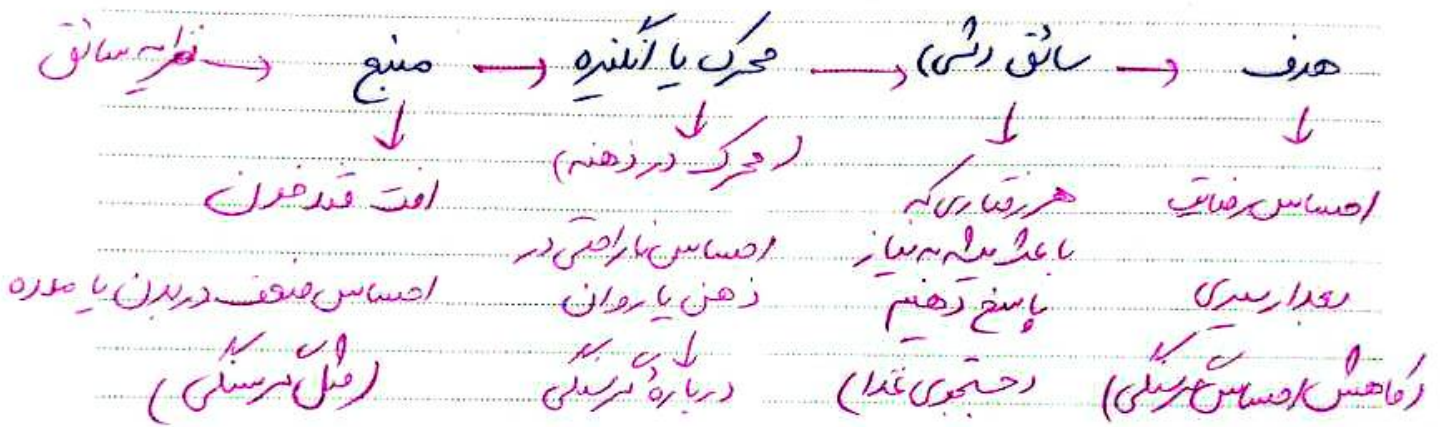
نیروی محرکه به مقدار انگیزه ای است که در ما وجود دارد.

سائق سائق → منبع به ناصیه ای از بدن در حالت برانگیختگی یا تنش است.

هدف به کسب لذت به وسیله برطرف کردن این برانگیختگی یا کاهش تنش است.

شئ به فرزند یا چیزی است که نقش وسیله ای را بر بجهت داده هدف از

طریق آن برآورده می شود.

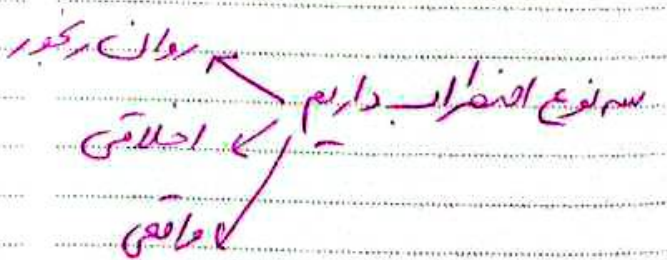


اضطراب: حالت عاطفی و ناخوشایندی که با احساس جسمانی همراه است و به فرد درباره

خطر قریب الوقوع هشدار دهد. این حالت ناخوشایند معمولاً ناهم است.

اضطراب توسط **انگیز** احساس می شود اما این، سوپراکوی و دنیای بیرون درونی از

سه نوع اضطراب در حالت دارند



اضطراب روان بخور این احساس در ایگو وجود دارد

این اضطراب از تعارض بین Id و Ego به صورت می آید و می تواند (بفشار) کسر کننده می باشد که در دام دنبال لذت. در دام دنبال ارضای فوری نیازهای فوری و منقضی می شود در نظر نمی گیره.

مثلاً فردی که در کودکی احساس خصومت یا میل به آسیب رساندن به والدین داشته، بعدها ممکن است در برابر افراد صاحب قدرت مثل معلم یا رئیس احساس اضطراب کند بدون اینکه دلیل آگاهانه ای بداند.

* نکته * ترس از تنبیه در کودکی به دلیل می شود این اضطراب در ناخودآگاه باقی بماند.

اضطراب اخلاقی از تعارض بین ایگو و سوپرایگو ناشی می شود. وقتی فرد احساس کند با معیارها و ارزش های اخلاقی اش در تضاد است دچار اضطراب اخلاقی می شود.

مثلاً اگر کودکی باور داشته باشد تسلیم شدن در برابر ویروس جنسی گناه است و همچنین ناموسی در او وجود داشته باشد، دچار اضطراب اخلاقی می شود. یا اینکه اگر فردی احساس کند به وظایف اخلاقی اش مثل مراقبت از سالمند عمل نکرده، ممکن است مضطرب شود.

اضطراب واقعی به معنی نوع اضطراب به ارتباط ترکیبی با ترس دارد. اضطرابی است که در

دنیا واقعی داریم به احساس ناخوشایند و به هم از وجود خطر واقعی در محیط بیرون

مثل اضطراب امتحان، یا اضطراب هنگام رانندگی در ترافیک سنگین یا سفری ناآشنا.

تفاوت اضطراب واقعی با ترس معمولاً در موضوع شخصی دارد (مثل قتل شدن از سُر خوریدن عسلین روی نخ) ولی اضطراب واقعی کلی تر و مهم تر است در واقع این سه نوع اضطراب معمولاً با هم ترکیب می شوند. ضرورت مقدماتی اضطراب نفس همدار دهنده دارد و به (خود) علاقت می دهد که خطری در پیش است تا بتواند از مکانسیم های دفاعی برای محافظت از خود استفاده کند.

مکانسیم های دفاعی مفروضه در سال ۱۹۲۶ مفهوم مکانسیم های دفاعی مطرح کرد و رشتش آنها مفروضه آن را کامل تر کرد.

خودری که اضطراب گرفته برای اینکه اضطرابش و کاهش دهنده از مکانسیم های دفاعی استفاده میکند ضرورت مکانسیم های دفاعی که ما از آن استفاده می کنیم **مکانسیم های دفاعی**

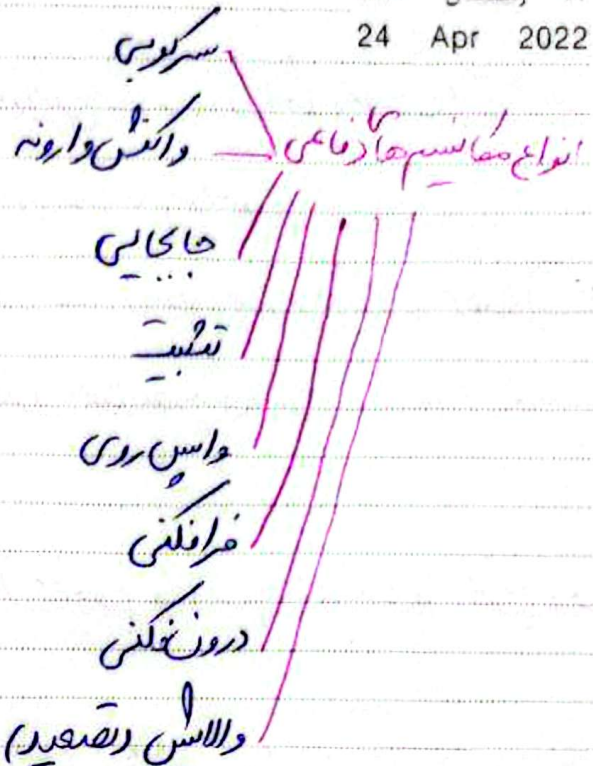
واقعیت را تحریف می کند

ضرورت مکانسیم های دفاعی نباید زیاد از پس استفاده بشود چون انرژی زیادی از ما گرفته می شود و وقتی انرژی زیادی از ما گرفته بشود نمی توانیم سلامت روان داشته باشیم نمی توانیم شخصیت متعادلی داشته باشیم. ضرورت مکانسیم های دفاعی استفاده می کنیم

نتیجه مزین سلامت روان داشتن و نداشتن این است که افراط در مکانسیم دفاعی نداشته باشیم. مکانسیم های دفاعی روش های **ناهییه ذهن** هستند که خود برای **کاهش اضطراب**

دوری از احساسات ناخوشایند

از این ها استفاده میکنیم هدف مکانسیم دفاعی این است که از **خود** در برابر تهاجمات درونی بین **مخاد و سوپر ایگو** محافظت کند.



سرکوبی - اساسی ترین مکانسیم دفاعی سرکوبی است. تقاضاها، امیال، خاطراتی که برای ما اضطراب آور هستن، برای اینکه تو ذهن ما نیایند ما آنها را سرکوب می کنیم و به محقق ناخود آگاه خود، می برسیم. این مکانسیم به ویژه در برابر تقاضاهای جنسی و پرخاشگری عمل می کند و از ورود آن ها به هیاتر کلبه می کند.

واکنش وارونه - در این مکانسیم فرد احساسات ناخوشایند خود را به صورت متضاد بروز می دهد. مثلاً خانم می داند که عمیقاً از مادرش ناراضه و از او متنفره، چون اون می دونه که جامع محبت به والدین رد ايجاب میده، این نفرت همدار از مادر، اضطراب زیادی را ايجاد میده. این خانم برای دوری از اضطراب عذاب آور، (به تقاضای متنفره تر کن می کند) به محبت.

اما محبت از به مادرش اصل نیست بلکه ناشی است، دیگران باید از ماهیت واقعی این محبت ساجدی آگاه باشند، اما او باید خودش را فریب دهد و به واکنش وارونه خود محسوس. چون م او تک می کند

شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طیس

این واقعیت اضطراب آور را که به صورت ناخود آگاه از مادرش نفرت دارد پنهان می کند.

جایای زبانی رخ می دهد به افراد احساسات یا توانها خود را از موضوع اصلی به

موضوع کم خطرتر منتقل می کند. مثلاً در جنگی بد رو دارد به یاد نبرد سالها
کار می رسد مثلاً اثر اینها کاری کن که ما نتوانیم هم آنها را بفهمیم کنیم به خشم را اندام می داریم
میرم سر کسی خالی می کنیم که قدرش از فن لغت و همدار کسی که زورم مجلس می رسم
به خالی کردن خشم از کسی که زورم مجلس نفرسم به کسی که زورم مجلس می رسم جایای
اتفاق می افتد. مثلاً فردی که از رئیس خود عصبانیت، ممکنه عصبانیتش رو بر سر معاون
یا اعضای خانوار خالی کند.

تثبیت به معنای تیر کردن در یک مرحله رشد خاص است. اگر فرد در یک مرحله رشدی
دچار اضطراب شود، ممکن است در آن مرحله باقی بماند و ویژگیهای آن مرحله را در
نبرسالها حفظ کند. مثلاً اضطراب می تونه ناخن ها سوخته خوره.

واپس بری به معنای بازگشت به رفتارهای مرحله ای قبلی رشد است. مثلاً فردی که
در برابر استرس قرار می گیرد، ممکن است رفتارهای کودکی مثل عکس گرفتن انگشت را از سر بگیرد
مثل به آرام نبرسال که قبل دوست داریم ما مانع بعلی کنه من و.

فرافکنی در فرافکنی فرد ویژگیهای ناخوشایند خود را به دیگران نسبت می دهد. مثلاً
فردی که خودش دروغگو است، دروغگو را به دیگران نسبت می دهد. خودش عصبانیت، عسوره،
به دوستش می دهد حقیر عصبی و عسوره به نسبت دادن ویژگیهای خود به دیگری.

درون فکری در این مکانسیم، فرد ویژگی‌ها یا ارزش‌های ریزان را به طور ناخودآگاه در خودش می‌پذیرد. فرد آن احساس ارزشمندی که باید داشته باشیم رونداره و این به فرد، اضطراب میدهد. دنبال ویژگی‌های غریب ریزان می‌شود و یک نفر را القوی خودش، قرار می‌دهد. بیشتر در دوران نوجوانی اتفاق می‌افتد. مثلاً با بازیگر یا خواننده ای علامه داره، مثل اون لباس تنه می‌کنه، حرف می‌زنه یا مثل اون رفتار می‌کنه.

والا س (تغییر) به تبدیل تفرقه‌های ناخوشایند به فعالیت‌های اجتماعی یا فرهنگی. در والا س تفرقه‌های غیر قابل پذیرش از سمت جامعه را عاید تبدیل میکنیم به رفتار جامعه پسند. خیلی مثبت می‌شه و کارهای غیر انجام شده. مثلاً مزیت‌های تفرقه‌ها داره، این انرژی را در ورزش‌های رزمی یا هنرهای رزمی تخلیه می‌کند.

(مکانسیم دلیل تراشی) به در کتاب نیست (جهت اطلاعات عمود می‌فردم بگو برادر بزرگوار) هر چه به کوفت می‌کنی به دلیل ویرجانی عیاره به چرا دلیل تراشی میکنیم؟ چون انتقادی که بجای می‌شه اضطراب زا است.

۱- مرحله دهانی

۲- مرحله مقعدی

۳- مرحله آلتی

۴- نهفتگی

۵- تناسلی

۱- **مرحله دهانی** اولین مرحله رشد کورک می باشد، مرحله دهانی است کورکان غذای خود را

از طریق دهان کسب می کنند، اما غیر از آن از طریق لخت می برند

لیسیدو - انرژی روانی که باعث لخت در ماهی می شود، لیسیدو است.

دهان منبسط می شود و کورک برای خوردن است و این لخت رو از طریق **لخت خشن** دریافت می کند.

لخت خشن - دندان دارد است. در مرحله دهانی مرحله **جذب دهانی** داریم که **سازش دهانی**

در **جذب دهانی** کورک بدون اضطراب هر چه بخورد همه **لخت خشن** که باهاش

اصلاش آرامش می کند در دسترس است. دنیا برای کورک جای قشنگ و اضطرابی را تجربه

نمی کند.

در **سازش دهانی** - دندان در می آید و مرحله از شیر رفتن است. کورک **لخت خشن** از او

کمی می خورد و اضطراب را تجربه می کند. وقتی اضطراب را تجربه می کند مقدار بیشتری از

خود نشان می دهد. در مرحله دهانی دندان در می آید یا گاز می خرد. در مرحله دهانی

اکثر **تسلیم** به دلیل در دسترس بودن چهار بر خوری عصبی می باشد و وقتی عصبی **تسلیم** می آید **تسلیم**

در **سازش دهانی** کورکان از طریق گاز رفتن، بستن دهان، غان و غون کردن به دندان

پاشخ می دهند. وقتی کورکان بزرگ می شوند دهان همچنان مناصم بگرفت ز است و وقتی بزرگتر

می شوند، می توانند نیازهای خود را به شیوه های مختلف از جمله مکیدن آب بند چوبی،

چوبیدن آدامس، چوبیدن ملاتر، پر خوری ارضا کنند.

۲- مرام مقدس: پسند و ازدهان منتقل می‌شود به مقدس

عمل دفع مدفوع برایش لذت بخش است و والدین را می‌تواند از طریق آن کنترل کند. در این مرام روزه دست‌گیر که هم چون والدین در این مرام حساس که به چیم بی‌موقع ادراک نکنند و بابش حس نشود. آنکه در این مرام خنجر بکشد یا از خردشون نشون بدن یک شخصیت مقدس به وجود می‌آید که به مثالی در آن است که مثل حساسیت



اجابت است / نظم و پاکیزگی

و این مثالی مقدس و هاشمی پسند به آدم و سواس

۳- مرام آتشی: پسند و منتقل می‌شود به آتش تا سلسی. در این مرام مادر و مسلم مواج می‌شود

(عقدیه ایوب مراد: عقدیه ایوب مراد: که الکتر است)

در این مرام ناصیه تا سلسی، ناصیه گھواشی اصلی می‌شود

تعریف عقدیه ایوب: کسب نسبت به والد غیر محض و خدمت نسبت به والد محض

عقدیه ایوب مراد: فرود عقیده به چیم قبل از مرام آتشی با پدرش حمایت‌سازی می‌کند

در حمایت‌سازی دوست دارند که جای پدر باشند و پدر و رفیق خورشون می‌دوشن ملکن چا پدر مشون به مادر نزدیک می‌شوند و نشونم وقتی آتشی می‌کند هم من فحش آتشی بخواد کسی که به مادر راه برو ارام به دعا و نظر اب اخلاقی می‌شود. با آتشی رله یافته حمایت‌سازی می‌کند

عید سعید فطر (تعطیل) روز معلم

تعطیل به مناسبت عید سعید فطر

و پدر الگوی خودش قرار داده در رفتارهای درست. سپس به حاکم اضطراب اصلی جنسی
 سریع گشایش به مادر و در خردساز حل می‌کند و انزوی که صرف عقده اید می‌کند و
 صرف رشد فراخود می‌کند که فراخود در سینه‌ها قوی‌تر از رفته‌ها است. سپس با وجدان
 رشد یافته‌تری از رفته‌ها دارند

عقده الکتر دختران در ابتدا به مادر وابسته هستند اما سپس به تفاوت‌های جنسی می‌پرسند
 و میل به داشتن آلت مردی ممکن به صورت آرزوی داشتن مرد یا فرزند پس بر می‌خورند.
 حل ناقص اید در دختران باعث می‌شود سینه‌های آنها اغظاف‌پذیرتر باشد و وجدان
 ضعیف‌تری دارند.

تفاوت‌های جنسی در کودکی: ۱- قادر به تولید مثل نیستند. ۲- خود را زنند.

۴- نفقتگی پس‌دور در بدن نیست و خاصش می‌گردد. کودک آن قدر با بهترین‌ها و باورها و
 تنبیه‌ها وارد بلوغ می‌گردد که دیگر نیازی به آسکریب نمی‌کند و انزوی خود را صرف یادگیری اجتماعی
 و مهارت و ارتباط و رشد خودش می‌گذارد.

در این دوره فعالیت جنسی به شدت کم می‌گردد
 انرژی روانی به فعالیت‌های غیر جنسی مانند تحصیل، دوستان و بازی‌ها هدایت می‌گردد.
 کودک در این مرحله یاد می‌گیرد روابط اجتماعی و شخصی را شکل دهد.

۵- تناسلی دوره بلوغ به تأیلات جنسی فروش رانشان محدود منتها در قالب نرسیده
یعنی توانایی تولید مثل داره. کس و تأیلات جنسی به فرد دیگری داره.
مهارت های اجتماعی و اخلاقی که در دوره نوجوانی شکل گرفته به به فرد کمک می کند تا روابط
سالم و سازنده برقرار کند.

افراد سالم روانی می توانند انگیزه ها و نیازهای خود را به شکل متعادل ابراز کنند.

۶- خستگی به وقتی مراحل را به خوبی نیست سرنگاری و به سلامت روان می رسی آن موقع
خستگی به وجود می آید.

۷- تداعی آزاد به فرود در روش های درونی هدفش این بود که به ناهیا رسی به
که به آن هدیه به را آنالیز کنند تا به ناهیا رسی به
در تداعی آزاد هر آنچه که به ذهنیت می آید بدون این فکر نمی، به پروا بیان کن تا به رسی
به عمق ناخود آگاه.

* تداعی آزاد یک روش روانکاری است که فرود برای کشف افکار و احساسات ناخود آگاه
افراد استفاده می کرد. در این روش فرد به ذهن محدودیت و سانسور، هو فکری که به ذهنیت
می رسد را بیان می کند.

چرا مهم؟ چون افکار و خاطراتی که خود آگاه نیستند، با این روش ظاهر می شوند

روانشناسان می توانند تا به مراحل رشد روانی (رهانی - معنوی - آلتی - نوجوانی - تناسلی)
به شکل گیری شخصیت را بهتر بفهمد. به این ترتیب تداعی آزاد کمک می کند تا ارتباط بین

تجربیات کودکی و مشکلات و استرس‌های شخصیت‌های نوجوانی را

به زبان ساده و تداعی آزاد قبل از پرسش یک جعبه اسرارآمیز ذهن است تا ببینیم چه چیزهایی در آن پنهان شده و شخصیت چگونه شکل گرفته است

تداعی آزاد — انتقال

مقاومت

انتقال به نسبت دادن آن احساسات که به افراد نزدیک زندگی داری و صحبت آسیب زدن،
رو به روانکار انتقال می‌دهی.

مقاومت به فرود جریانی تداعی آزاد به فکر یا خاطره ای می‌رسد که ناخودآگاهش برایش
ناخوشاننده است، مانع بیان آن می‌شود.

این مقاومت می‌تواند به قدرت فراموشی، تغییر موضوع، سکوت ظاهر شود.

از نظر فروید مقاومت نشان دهنده تقاضای حساس و تقاضای روانی ناخودآگاه است که مهم‌ترین
بخش شخصیت را نشان می‌دهد.

به زبان ساده تر و صحبت استاد به مقاومت مال زحمانیم که وقتی داریم نقوذ می‌کنیم به
ناخودآگاه و می‌رسیم به تروما یا ذهن خالده آسیب را، سکوت کنیم و همکاری نکنیم.